

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم نامه:

مادرم صبوری ، آرامش و تلاش برای زندگی را به من آموخت؛  
وجود او برای من همیشه باعث امیدواری و آسایش بوده و هست؛  
اما وجود من برای او دل نگرانی، دوری و زحمت بوده و هست؛  
این پایان نامه را به پاس زحمت هایش به او تقدیم می کنم، باشد که ذره ای از زحمت  
هایش را جبران کرده باشم. سلامتی و تندرستی او آرزوی من است.



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایاننامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین

« بررسی مسأله شر از دیدگاه مرتضی مطهری و ریچارد سوئین برن »

**حمیدرضا اسکندری دامنه**

استاد راهنما:

**دکتر عبدالله نصری**

استاد مشاور:

**دکتر قاسم پورحسن درزی**

**زمستان ۱۳۹۰**

# فرم گردآوری اطلاعات پایاننامهها

## کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: : بررسی مسأله شر از دیدگاه مرتضی مطهری و ریچارد سوئین برن
نویسنده/محقق: حمیدرضا اسکندری دامنه
مترجم:
استاد راهنما: دکتر عبدالله نصری استاد مشاور: دکتر قاسم پورحسن درزی استاد داور: دکتر حوران اکبرزاده
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۱۳۹۰
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی
تعداد صفحات: ۱۵۹ گروه آموزشی: گروه فلسفه دین
کلیدواژهها به زبان فارسی: مطهری، سوئین برن، شر، مسئله شر، اختیار، عدل الهی
کلیدواژهها به زبان انگلیسی: Motaheri, Swinburne, evil, the problem of evil, will, theodicy

## چکیده:

مسئله شریکی از مشکلترین مسائل پیش روی اندیشه دینی است و در حال حاضر بزرگترین دلیلی است که ملحدان برای انکار وجود خداوند به آن استناد میکنند. این مسئله ابراز میدارد که با وجود خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیر خواه مطلق وجود شرور هیچ توجیهی نمیتواند داشته باشد. به دنبال این مسئله، تحقیق حاضر در پی آن است تا طبق دیدگاه دو فیلسوف اسلامی و مسیحی، استاد مطهری و ریچارد سوئین برن، به مسئله شر پردازد. این دو متفکر هر دو بر اساس عنایت و عدل الهی در صدد ارائه راه‌حلهایی برای مسئله شر میباشند و هر دو بر اساس اختیار انسان، نظام احسن الهی و فواید شرور به این مهم میپردازند. در این تحقیق به شرح دیدگاههای فیلسوفان مذکور میپردازیم و وجوه اشتراک و افتراق این دو را یادآور میشویم.

### الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

بررسی مسأله شر از دیدگاه مرتضی مطهری و ریچارد سوئین برن

### اهمیت موضوع:

مسئله شر دارای اهمیت و ضرورت زیادی می باشد؛ مومنان از یکسو برای حفظ دین خود بایستی از مسئله شر بحث کؤده و به آن پاسخ دهند، و از طرف دیگر برای دعوت دیگران به دین بایستی سازگاری آن را با دین نشان دهند. به این مسأله کهن که پیشینه آن به روزهای نخستین حیات بشری بر می گردد. یکی از مهمترین مسائل کلام سنتی در همه آیین های آسمانی مانند اسلام و مسیحیت را تشکیل می دهد. اما این مسأله کهن در دو سده اخیر تبدیل به یکی از جنجالی ترین مباحث کلام جدید و فلسفه دین شده و از این رو بر اهمیت و حساسیت بحث در میان موافقان و مخالفان اندیشه های دینی افزوده است. این شبهه از جهت این که ناظر به بنیادی ترین اصل ادیان الهی، یعنی اثبات یا نفی وجود خدا، یا تقیید و تحدید صفات اوست، صحنه رو در روی عالمان متأله و ملحد شده است. منکران وجود خدا آن چه که تاکنون در حوزه فلسفه دین بر آن تاکید می کردند، جرح و نقد براهین فلسفی اثبات خدا بود، و به هیچ وجه نمی توانستند ادعای طرح دلیل منطقی برای اثبات مدعایشان (نفی خدا) بکنند. به بیان دیگر، همه فلاسفه ملحد با این که اعتقاد و جزمی به وجود خدا نداشتند، در عین حال نمی توانستند با اطمینان کامل حکم به نفی و عدم خدا بدهند، چرا که دلیلی بر

مدعیانشان نداشتند، بلکه به نوعی در مسیر تحیر و تردید گام بر می داشتند . اما در سده های اخیر، ملحدان وجود شرور را دلیلی قاطع بر عدم وجود خداوند دانسته اند. از این رو باید به آن پاسخ گفت و توجیهی متناسب با ادیان الهی برای این مسئله ذکر کرد.

**ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیهها:**

۱- آیا وجود شر می تواند دلیل قاطع و محکمی بر رد خداوند باشد؟

۲- دفاعیه مبتنی بر اختیار آیا بهترین پاسخ به شر اخلاقی است؟

۳- ماهیت نظریه امکان معرفت در شر طبیعی از دیدگاه سوئین برن و دیدگاه عدالت از نظر مطهری چه می باشد؟

۴- آیا خداوند نمی توانست جهانی بیافریند که در آن شر وجود نداشته باشد؟ آیا این جهان بهترین جهان ممکن است؟ دیدگاه استاد مطهری و سوئین برن در این باره چیست؟

۵- آیا شرور هیچ جنبه خیری ندارند و شر محض می باشند؟

۶- وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه استاد مطهری و سوئین برن در چی می باشد؟

**فرضیه های طرح شده :**

۱- خداوند به جهت تحقق خیر، رخدادن شرور را روا می دارد.

۲- شرور همیشه کمتر از خیر ها هستند.

۳- شرور مانند رنگ های متضاد یک تابلوی زیبایی نقاشی هستند که در نهایت جهان را زیباتر می کنند.

۴- شرور لازمه اختیار انسان هستند.

۵- شرور لازمه نظام علی و معلولی جهان هستند.

۶- شرور موجب کسب معرفت در انسانها هستند.

**ب- روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعهی مورد تحقیق، نمونهگیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازهگیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل دادهها:**

## روش تحقیق:

روش تحقیق این نوشتار روش کتابخانه ای است. در این نوشتار چون محور اصلی بحث نظرات استاد مطهری و ریچارد سوئین برن در موضوع مسأله شر بوده است چارچوب اصلی پیرامون نظرات ایشان است و جهت تکمیل بحث از نظرات دیگر فلاسفه نیز بهره برده شده است. لازم به ذکر است اشاره به آراء دیگر فلاسفه جهت تبیین موضوع می باشد.

## ت. یافته‌های تحقیق:

استاد مطهری و ریچارد سوئین برن در پاسخ به مسأله شر به طرح نظریه عدل الهی می پردازند. از نظر ایشان خداوند به دلایل موجهی وقوع شر را مجاز دانسته است. این دو متفکر هر دو بر اساس حکمت و عنایت الهی در صدد ارائه راه حلهایی برای مسئله شر میباشند و هر دو بر اساس اختیار انسان، نظام احسن الهی و فواید شرور به این مهم میپردازند. و هرچند به وجود شرور اذعان دارند اما این شرور را لازمه این جهان می دانند که دارای فواید بسیاری می باشند و آن را نقصی بر حکمت بالغه ی خداوند نمی دانند.

## ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

ادعای ملحدان مبنی بر این که وجود شرور برهانی قاطع بر عدم وجود خداوند می باشد، قابل مناقشه است. طبق دیدگاه استاد مطهری سوئین برن از طریق اختیار انسان، نگاه سیستماتیک به جهان و فواید شرور، می توان به آن پاسخ گفت. با وجود این مسأله شر یکی از مباحث بسیار مهم حوزه فلسفه دین می باشد که لازم است بیشتر به آن پرداخته شود. یکی از راهکارهای که متفکران اسلامی لازم است انجام دهند تطبیق فیلسوفان اسلامی با فیلسوفان غربی و مواجه ساختن فلسفه اسلامی با اندیشه ها و مشکلات جدید و از این رهگذر، رشد و شکوفایی بخشیدن به آن است. به طور کلی امروزه، حیات اندیشه های دینی ما در گرو طرح مسائل نو و ارائه پاسخ های مناسب به آن است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایاننامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی مینماییم.

نام استاد راهنما: عبدالله نصری

سمت علمی: دانشیار

نام دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی

رئیس کتابخانه

## فهرست عناوین

### فصل اول

#### بخش اول

۱-۱-۱-۱ مقدمه ..... ۱۴

#### بخش دوم

۱-۲-۱-۱ مختصری درباره استاد مطهری ..... ۱۹

۱-۲-۲-۱ مختصری درباره سوئین برن ..... ۲۲

۱-۲-۲-۱-۱ مروری بر آثار سوئین برن ..... ۲۳

#### بخش سوم

۱-۳-۱-۱ ماهیت و اقسام شر ..... ۲۷

۱-۳-۱-۱-۱ تقسیم بندی شرور ..... ۲۸

۱-۳-۱-۲ چرا شر مسأله شد؟ ..... ۳۰

۱-۳-۱-۳ رویکردها و جهات متفاوت بحث ..... ۳۲

۱-۳-۱-۳-۱ مسأله شر به منزله قرینه ..... ۳۲



## بخش چهارم

۱-۴-۱ انواع پاسخ ها به شرور ..... ۳۴

۱-۴-۱-۱ پاسخ های مغلطه آمیز و غیر قابل پذیرش ..... ۳۴

۲-۴-۱-۱ پاسخ های مناسب و پذیرفتنی ..... ۳۷

۲-۴-۱ تحلیل شر منطقی ..... ۴۴

۳-۴-۱ دفاع در برابر اتهام ناسازگاری ..... ۴۶

۱-۳-۴-۱ قادر بودن خدا بر انجام محالات منطقی ..... ۴۶

۲-۳-۴-۱ شر لازمه اختیار ..... ۴۷

۳-۳-۴-۱ ارزیابی ..... ۴۹

## فصل دوم

شر از دیدگاه مطهری

## بخش اول

۱-۱-۲ تاریخ و انگیزه طرح عدل در علم کلام ..... ۵۴

۱-۱-۱-۲ دوره نخست ..... ۵۴

۲-۱-۱-۲ دوره دوم ..... ۵۵

۵۵..... ۲-۱-۱-۳ دوره سوم

۵۵..... ۲-۱-۲ طرح مسأله عدل

۵۹..... ۳-۱-۲ دیدگاه متکلمان

۶۱..... ۴-۱-۲ راه حل حکیمان مسلمان

### بخش دوم

۶۳..... ۱-۲-۲ رویکرد مطهری به شر

### بخش سوم

۶۵..... ۱-۳-۲ عدل چیست؟

۶۵..... ۱-۱-۳-۲ موزون بودن

۶۵..... ۲-۱-۳-۲ معنی دوم عدل ، تساوی و نفی هرگونه تبعیض

۶۵..... ۳-۱-۳-۲ رعایت حقوق افراد

۶۶..... ۴-۱-۳-۲ رعایت استحقاق

### بخش چهارم

۶۶..... ۱-۴-۲ ذکر ایرادها و اشکالات

۶۶..... ۱-۱-۴-۲ تبعیض ها

۶۶..... ۲-۱-۴-۲ فنا و نیستی ها

۶۷..... ۳-۱-۴-۲ نقص ها

۶۷..... ۴-۱-۴-۲ آفات و بلايا

### بخش پنجم

۶۸..... ۱-۵-۲ پاسخ به اشکال تبعيض ها

### بخش ششم

۷۳..... ۱-۶-۲ پاسخ به شر

۷۳..... ۱-۱-۶-۲ شبهه ثنويت

۷۳..... ۲-۱-۶-۲ عدمی بودن شر

۷۵..... ۳-۱-۶-۲ استدلال ملاصدرا بر عدمی بودن شر

۷۶..... ۴-۱-۶-۲ شر نسبی است

### بخش هفتم

۷۸..... ۱-۷-۲ تفکیک ناپذیری خیر و شر

۷۸..... ۱-۱-۷-۲ لازم بودن شر قلیل برای خیر کثیر

۷۹..... ۲-۱-۷-۲ تجزیه ناپذیری جهان

## بخش هشتم

۸۱..... ۱-۸-۲ فواید شر

۸۲..... ۱-۱-۸-۲ زشتی نمایانگر زیبایی است

۸۳..... ۲-۱-۸-۲ مصائب، مادر خوشبختی ها است

۸۴..... ۳-۱-۸-۲ اثر تربیتی بلایا

۸۴..... ۴-۱-۸-۲ تکامل انسان

## بخش نهم

۸۵..... ۱-۹-۲ خلاصه دیدگاه مطهری در پاسخ به اشکال شرور

## فصل سوم

### بخش اول

۸۸..... ۱-۱-۳ رویکرد سوئین برن به مسأله شر

۸۸..... ۱-۱-۱-۳ شر طبیعی

۱۰۰..... ۲-۱-۱-۳ اصل زود باوری

۱۰۴..... ۳-۱-۱-۳ نقد استدلال ملحدان

### بخش دوم

۱۰۶..... ۱-۲-۳ عدل الهی از نظر سوئین برن

۱۰۶..... ۱-۲-۳-۱-۱ تعریف عدل

۱۰۹..... ۲-۲-۱-۱ دفاع مبتنی بر اختیار

۱۱۱..... ۳-۲-۱-۱ هبوط

۱۱۴..... ۴-۲-۱-۱ شر اخلاقی

۱۱۶..... ۱-۴-۱-۲-۳ دفاع مبتنی بر اختیار

۱۲۰..... ۲-۴-۱-۲-۳ اصل صداقت

### بخش سوم

۱۲۲..... ۱-۳-۳ گستره شر اخلاقی و مسئولیت

۱۲۲..... ۱-۱-۳-۳ مسئولیت در برابر خود

۱۲۲..... ۲-۱-۳-۳ مسئولیت در برابر دیگران

۱۱۱..... ۲-۳-۳ شر طبیعی

۱۲۴..... ۱-۲-۳-۳ کسب معرفت

۱۲۸..... ۲-۲-۳-۳ دفاع مبتنی بر خیرهای برتر

## بخش چهارم

۱۳۲..... ۲-۴-۳ اشکالات مطرح و پاسخ به آن ها

۱۴۰..... ۳-۴-۳ نکات مهم مورد نظر سوئین برن در موضوع شر اخلاقی

۱۴۱..... ۴-۴-۳ نکات مهم مورد نظر سوئین برن در موضوع شر طبیعی

## فصل چهارم

۱۴۲..... مقایسه دیدگاهها

## بخش اول

۱۴۲..... ۱-۱-۴ انگیزه طرح بحث در نظر مطهری و سوئین برن

۱۴۲..... ۲-۱-۴ روش مطهری و سوئین برن

۱۴۴..... ۱-۲-۱-۴ ماهیت شر

۱۴۵..... ۲-۲-۱-۴ تقسیم بندی شرور

۱۴۸..... ۳-۲-۱-۴ فواید شرور

## بخش دوم

۱۵۳..... ۱-۲-۴ نتیجه گیری

۱۵۵..... فهرست منابع

## فصل اول

### کلیات

۱-۱-۱ مقدمه:

انسان همواره با پدیده های ناگوار و آزار دهنده و زیان زننده مواجه بوده است. سیل‌های ویرانگر و زلزله های خانمان بر انداز و آتشفشانهای سوزان و حیوانات و درندگان وحشی و مرگ و میرها و بیماریها و انواع و اقسام دردها و رنجها همواره گریبانگیر انسان خاکی ضعیف و ناتوان بوده است. و از سوی دیگر اختلافها و تبعیضها و محرومیتها و نابسامانیهای اجتماعی و فقر و ناداری مشکلی بوده است که همواره با شروع زندگی اجتماعی و بلکه پیش از آن انسان را در کام خود فرو برده است. اگرچه درد و رنج همیشه با بشر بوده است اما تا زمانی که انسان اعتقاد به موجودات الهی که دارای علم و قدرت و خیریت مطلق نبودند، مسئله شر مطرح نبود. چون این مسئله اصلا پیش نمی آمد که اگر چنین موجود هست چرا از شر جلوگیری نمی کند؟ سابقه این بحث طولانی است، و به فلاسفه ی یونان باز می گردد، "مسئله شر از زمان فلاسفه یونان، اپیکوریان، و رواقیان تا عصر حاضر، دست آویز ملحدان برای استدلال علیه وجود خداوند بوده است" (ر.ک بهرامی، ۱۳۸۵).

اپیکوروس (۳۴۲-۲۷۰ ق.م.) فیلسوف معروف یونان باستان می گوید: اگر خدا می خواهد از شرور جلوگیری کند، ولی قادر نیست، پس او قادر مطلق نیست. و اگر قادر است ولی نمی خواهد پس خود از شرور است، اگر او، هم بر رفع شر قادر است و هم اراده کرده است که شر نباشد، پس چرا شر وجود دارد؟ (جان هیک: ۱۹۸۳، ۱۰۷).

اگرچه مسئله شر تاریخی طولانی دارد اما در دوران فلاسفه ی یونان یا حتی در دوره جدیدتر (قرون وسطی) هر چند مسئله ی شر مطرح بود اما معضل نبود و جواب داده شده بود. تا قرن ۱۸ مسئله شر مطرح بود اما از قرن ۱۸ به بعد مسئله شر تبدیل به معضل مهمی شد.

مسئله شر دارای اهمیت و ضرورت زیادی می باشد؛ مومنان برای حفظ دین خود باید از مسئله شر بحث کنند و به آن پاسخ دهند، از طرف دیگر برای دعوت دیگران به دین باید به آن پاسخ دهند و سازگاری آن را با دینشان نشان دهند. کاپلستون می گوید: وجود شر در جهان ایرادی پاسخ ناپذیر به خدانشناسی مسیحی است، اعم از اینکه این فرضیه پذیرفته یا رد شود، به صورت یک واقعیت بغرنج و لاینحل باقی می ماند (کاپلستون: ۱۳۸۲، ۱۲۱). این مساله کهن که پیشینه آن به روزهای نخستین حیات بشری بر می گردد. یکی از مهمترین مسائل کلام سنتی در همه آیین های آسمانی مانند اسلام و مسیحیت را تشکیل می دهد. اما این مساله کهن در دو سده اخیر تبدیل به یکی از جنجالی ترین مباحث کلام جدید و فلسفه دین شده و از این رو بر اهمیت و حساسیت بحث در میان موافقان و مخالفان اندیشه های دینی افزوده است. این شبهه از جهت این که ناظر به بنیادی ترین اصل ادیان الهی، یعنی اثبات یا نفی وجود خدا، یا تقیید و تحدید صفات اوست، صحنه رو در روی عالمان متأله و ملحد شده است. مخالفان اندیشه های دینی با مطرح کردن این شبهه دو هدف ذیل را تعقیب می کنند:

۱. تقیید و تحدید یکی از صفات سه گانه خدا ( علم، قدرت و خیر خواهی) و بدین وسیله اعلام می کنند که خدای ادیان آسمانی، یا عالم مطلق، و یا قادر مطلق نیست و یا این که خیر خواه محض نمی تواند باشد.

۲. اثبات ناسازگاری وجود شر با اصل وجود خدا، به این بیان که وجود شر با وجود خدایی که متألهان می پرستند، ناسازگار و متناقض است. یا باید خدایی باشد با جهانی خالی از شر، و یا اگر در جهان شری هست - که هست - خود دلیلی بر عدم وجود خداست. شبهه نخست در پی تقیید صفات خداست که متألهان از قرون متمادی بر آن اصرار می ورزند و برای اثبات بی کرانی صفات خدا نیز پاسخ هایی را ارائه داده اند. شبهه دیگر مربوط به دو سه سده اخیر می گردد که از طرف فلاسفه ملحد مانند جی. ال. مکی و مک کلوسکی مطرح گشته است.

منکران وجود خدا آن چه که تاکنون در حوزه فلسفه دین بر آن تاکید می کردند، جرح و نقد براهین فلسفی اثبات خدا بود، و به هیچ وجه نمی توانستند ادعای طرح دلیل منطقی برای اثبات مدعایشان (نفی خدا) بکنند. به بیان دیگر، همه فلاسفه ملحد با این که اعتقاد و جزمی به وجود خدا نداشتند، در عین حال نمی توانستند با اطمینان کامل حکم به نفی و عدم خدا بدهند، چرا که دلیلی بر مدعایشان نداشتند،



بلکه به نوعی در مسیر تحیر و تردید گام بر می داشتند. در این جا می توان به بزرگ ترین فیلسوف و منتقد عالم غرب، یعنی دیوید هیوم اشاره کرد. ایان باربور از وجود یک نوع ایمان ضمنی که تمام براهین فلسفی اثبات خدا را به نقادی کشیده است، خبر می دهد:

" بعضی بحث ها در لابلاي آثار بعضی بحث ها در لابلاي آثار هیوم هست که از آن ها چنین بر می آید که معتقدات طبیعی مشابهی را هم در دین جایز می داند، یا یک نوع ایمان ضمنی را، که برای خود اعتباری جدا از استدلال های مشکوک الهیات طبیعی دارد. در فصل نهایی کتاب مفاوضاتی در باب دین طبیعی، فیلسوف شکاک، به وجود " یک حس عمیق تر دینی که در ذهن انسان نقش بسته است " اذعان دارد، و می گوید که تدبیر و اتقانی که در عالم مشهود است با " نیروی مقاومت ناپذیر " خاطر او را به خود می کشد؛ هر چند که بحث و برهان مبتنی بر آن مطلقاً قانع کننده نیست. (باربور: ۱۳۶۳، ۹۰).

پس از هیوم، از بزرگترین متفکران ملحد غرب که به فقدان دلیل فلسفی بر نفی وجود خدا معترف است می توان از برتراند راسل فیلسوف شهیر قرن بیستم یاد کرد. او در مصاحبه ای با وایت در تلویزیون لندن به سال ۱۹۵۹، اعلام می کند که سه مسأله ( خدا، جاودانگی روح، آزادی اراده) از مسائلی است که فاقد دلیل عقلی است. "اما راجع به خدا، ادله بسیاری بر اثبات وجود خداوند اقامه شده است. فکر می کردم اکنون نیز فکر می کنم که همه آنها بی اعتبار است و اگر کسی نمی خواست که اعتقاد به نتیجه آنها پیدا کند هرگز این گونه ادله را نمی پذیرفت " (جعفری: ۱۳۴۲، ۴۵-۶۰).

راسل با این که ادله اثبات خدا را قانع کننده نمی داند، اما درباره عدم وجود خدا نیز قاطع نیست. وایت از او می پرسد: شما فکر می کنید که به طور قطع چیزی به عنوان خدا وجود ندارد، یا این که فقط همین اندازه که کاملاً ثابت نشده است؟

راسل در پاسخ وایت می گوید:

من فکر نمی‌کنم به طور قطع چیزی به عنوان خدا وجود ندارد، البته نه، من فکر می‌کنم همین مسأله نظیر خدایان المپیک و خدایان نروژی باشد، آنها ممکن است وجود داشته باشند. من نمی‌توانم اثبات کنم آن‌ها وجود ندارند. من فکر می‌کنم که احتمال وجود خدای مسیحی بیش از آن‌ها نباشد. اعتقاد دارم همه آن‌ها دارای صرف امکان می‌باشند. (همان).

راسل در جای دیگر اعتقاد به وجود خدا را یک عقیده "آرام بخش" ولی اثبات نشده عنوان می‌کند. (کاپلستون: ۱۳۸۲، ۵۱۲).

ره آورد شبیه شماره دو (انکار وجود خداوند)، بسیار جدی و خطرناک تر از اشکال نخستین است، زیرا در این فرضیه، فلاسفه ملحد علاوه بر جرح و نقد براهین فلسفی خدا، ادعای اقامه دلیل فلسفی بر نفی وجود خدا نیز می‌کنند، و اگر موفق شوند که مدعای خود را به کرسی نشانند نقطه عطفی در تاریخ فلسفه دین و الهیات خواهد بود. وجه دیگری که مسأله شر را از سایر مسائل فلسفی و کلامی متمایز می‌کند و بر اهمیت آن می‌افزاید، فراگیر بودن آن و وجود برخی شبیه‌های مربوط به شر و عدل و عنایت الهی در میان عامه مردم است. از این رو متکلم و فیلسوف متأله باید در دو جبهه ناهمگون (جبهه متألهان عوام و جبهه فلاسفه ملحد دین) به ارائه پاسخ‌های متقن و منطقی بپردازد.

عوامل یاد شده متدینان و خداپرستان را برانگیخت تا به راه حل و چاره‌جویی در مسأله شر بپردازند. این رساله نیز در پی آن است تا بر اساس دیدگاه‌های دو فیلسوف بزرگ اسلامی و مسیحی، استاد مطهری و سوئین برن به مسئله شر پرداخته و در آخر وجوه اشتراک و افتراق این دو فیلسوف را ذکر کند. سوالاتی را که این رساله در پی پاسخگویی به آنها می‌باشند را می‌توان اینگونه دسته‌بندی کرد:

۱- آیا وجود شر می‌تواند دلیل قاطع و محکمی بر رد خداوند باشد؟

۲- دفاعیه مبتنی بر اختیار آیا بهترین پاسخ به شر اخلاقی است؟

۳- ماهیت نظریه امکان معرفت در شر طبیعی از دیدگاه سوئین برن و دیدگاه عدالت از نظر مطهری چه می باشد؟

۴- آیا خداوند نمی توانست جهانی بیافریند که در آن شر وجود نداشته باشد؟ آیا این جهان بهترین جهان ممکن است؟ دیدگاه استاد مطهری و سوئین برن در این باره چیست؟

۵- آیا شرور هیچ جنبه خیری ندارند و شر محض می باشند؟

۶- وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه استاد مطهری و سوئین برن در چی می باشد؟

قبل از پرداختن به این سوالات لازم است ابتدا مختصری درباره استاد مطهری و سوئین برن ذکر کنیم.

۱-۲-۱ مختصری درباره استاد مطهری<sup>۱</sup>:

استاد شهید آیت الله مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان واقع در ۷۵ کیلومتری شهر مقدس مشهد در یک خانواده اصیل روحانی چشم به جهان می گشاید. پس از طی دوران طفولیت به مکتبخانه رفته و به فراگیری دروس ابتدایی می پردازد. در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت نموده و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی اشتغال می ورزد. در سال ۱۳۱۶ علیرغم مبارزه شدید رضاخان با روحانیت و علیرغم مخالفت دوستان و نزدیکان، برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم می شود. در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و حضرت امام خمینی (به مدت ۱۲ سال در فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی (در فلسفه: الهیات شفای بوعلی و دروس دیگر) بهره می گیرد. در سال ۱۳۳۱ در حالی که از مدرسین معروف و از امیدهای آینده حوزه به شمار می رود به تهران مهاجرت می کند. در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانیهای تحقیقی می پردازد. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط استاد مطهری تشکیل می گردد.

در همان سال تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز می کند به دنبال یک سخنرانی مهیج علیه شخص شاه به وسیله پلیس دستگیر شده و به زندان موقت شهربانی منتقل می شود و به همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی می گردد. پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت علمای شهرستانها به تهران و فشار مردم، به همراه سایر روحانیون از زندان آزاد می شود. در سال ۱۳۴۸ به خاطر صدور اعلامیه ای با امضای ایشان و حضرت علامه طباطبائی و آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی در حسینیه ارشاد دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک سلولی به سربرد. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه های تبلیغی

1. <http://www.ido.ir/a.aspx?a=1385021201>